

Judicial Review of Administrative Court of Justice in Elimination of production barriers and issuing licenses

zeinab Tavassoli*
zahra khodayari**

Received: 2020/06/10
Accepted: 2020/07/19

Abstract

Legal institutions can play an effective role in achieving economic policies and goals in society by enacting supportive laws and regulations in creating appropriate incentive structures and removing existing barriers to boost production and economic growth. Facilitating the issuance of licenses as one of the solutions to remove barriers to production in the general policies of Article 44 of the Constitution and subsequently in the laws adopted by the Islamic Consultative Assembly has been considered and emphasized. The Court of Administrative Justice, as a judicial and supervisory body in monitoring government regulations and decrees, guarantees the rights of the people and the rule of law. The purpose of this descriptive-analytical study is to conclude what approach the Court of Administrative Justice has taken in implementing policies to support production and remove barriers. The findings of this study show that the Court has a law-based approach and also in its rulings, in addition to protecting the law, has interpreted the law judicially and explained the jurisdiction of the deregulation board and facilitated the issuance of business licenses, which expresses the role Judicial procedure is effective in the legal system. In reviewing the rulings issued by the Court, we criticized a decision of the General Assembly, which seems to have been issued contrary to the procedure of the Court.

Keywords: Issuance of licenses, removal of production barriers, judicial supervision, Court of Administrative Justice, macro policies.

* BSc. of Law, Al-Zahra University, Tehran, Iran (Corresponding Author).
zeinabtavassoli379.ya.mahdi@gmail.com

** Ph.D Student in Public Law, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran.
zahra.khodayari@gmail.com

بررسی آراء دیوان عدالت اداری در رفع موانع تولید و صدور مجوزها

زینب توسلی*

زهرا خدایاری**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۲۹

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

نهادهای حقوقی در تحقق سیاست‌ها و اهداف اقتصادی در جامعه می‌توانند با وضع قوانین و مقررات حمایتی در ایجاد ساختارهای انگیزشی مناسب و رفع موانع موجود در راستای تقویت تولید و رشد اقتصادی نقش مؤثری را ایفا کنند. تسهیل در صدور مجوزها به عنوان یکی از راهکارهای رفع موانع تولید در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و متعاقب آن در قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. دیوان عدالت اداری به عنوان یک نهاد قضائی و نظارتی در پایش مقررات و مصوبات دولتی تضمین‌کننده حقوق مردم و حاکمیت قانون است. هدف از پژوهش حاضر که به صورت توصیفی - تحلیلی انجام شده است، دستیابی به این پرسش است که دیوان عدالت اداری چه رویکردی در تحقق سیاست‌های حمایت از تولید و رفع موانع آن اتخاذ کرده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که دیوان رویکرد مبتنی بر قانون دارد و همچنین در آرای خود علاوه بر صیانت از قانون به تفسیر قضائی قانون و تبیین حدود صلاحیت هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار پرداخته است که این مسئله بیان‌کننده نقش مؤثر رویه قضائی در نظام حقوقی است. در بررسی آرای صادره از دیوان به نقد یک رأی از هیئت عمومی پرداختیم که به نظر می‌رسد خلاف رویه موجود در دیوان صادر شده است.

واژگان کلیدی: صدور مجوزها، رفع موانع تولید، نظارت قضائی، دیوان عدالت اداری.

* کارشناسی حقوق دانشگاه الزهراء سلام‌الله‌علیه، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

zeinabtavassoli379.ya.mahdi@gmail.com

** دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

zahra.khodayari@gmail.com

مقدمه

با توجه به اهمیتی که بحث تولید در بهبود اوضاع اقتصادی و ایجاد رفاه مردم دارد، در سال‌های اخیر مبنای نام‌گذاری سال‌ها بر اساس بحث اقتصاد مقاومتی و متعاقب آن توجه بر تولید ملی بوده است. لذا اقتصاد، اولویت اول کشور قرار گرفت و توجه نهادهای تقنینی و نظارتی را به خود جلب کرد. مقام معظم رهبری سال ۱۴۰۰ را سال تولید؛ پشتیبانی‌ها، مانع‌زدایی‌ها می‌نامند و بیان می‌کنند که ما بایستی تولید را محور کار قرار بدهیم و حمایت‌های لازم را انجام بدهیم و مانع‌ها را از سر راه تولید برداریم (پیام نوروزی مقام معظم رهبری به مناسبت آغاز سال ۱۴۰۰ در تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۳۰). همچنین ایشان عدم تحقق شعار «جهش تولید» در سال ۱۳۹۹ را این‌چنین تبیین می‌کنند که عدم دستیابی به جهش تولید به خاطر وجود موانع از طرفی و حمایت نشدن تولید در همه بخش‌ها از طرف دیگر بوده است. به این معنا که تولید هم احتیاج دارد به حمایت‌های لازم قانونی و حکومتی و هم احتیاج دارد به اینکه موانع سر راه تولید برداشته بشود (پیام نوروزی مقام معظم رهبری به مناسبت آغاز سال ۱۴۰۰ در تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۳۰).

با تبیین سیاست حمایت از تولید در دهه ۹۰ در کشور، قوانین و مقررات متعددی در این حوزه تصویب شده و در راستای اجرای آن گام‌های مؤثری برداشته شده است. در نظام حقوقی علاوه بر نظام تقنینی و اجرایی، توجه بر نهادهای قضائی و نظارتی از اهمیت بالایی برخوردار است. دیوان عدالت اداری به عنوان یکی از نهادهای قضائی در حمایت از حقوق مردم در مقابل نهادها و همچنین پایش مقررات و مصوبات نهادهای اجرایی در کشور توسط آرای هیئت عمومی، صلاحیت نظارت بر مقررات را دارد. این صلاحیت به موجب اصل ۱۷۳ قانون اساسی^۱ و بند ۱ ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری به این نهاد قضائی داده شده است. با عنایت به اینکه آرای هیئت عمومی مبنی بر ابطال مصوبات به لحاظ ماهیت الزام‌آور بودن در ردیف قانون و دارای اعتبار اجرایی هستند؛ لذا دستگاه‌های اجرایی^۲ نباید تصمیمی را بر خلاف رأی هیئت عمومی اتخاذ کنند. از این‌رو هیئت عمومی دیوان عدالت می‌تواند در دستیابی به سیاست‌های کلی نظام در حوزه اقتصادی بر مبنای حاکمیت قانون در سازمان‌های اداری و تسهیل در رونق کسب‌وکار توسط صدور مجوزها نقش مؤثری ایفا نماید.

در بحث بررسی آراء دیوان نسبت به قوانین حمایتی تولید و به طور خاص مجوزها فعالیتی صورت نگرفته است. آنچه که بیشتر نگاه محققان را به خود جلب کرده، فعالیت در حوزه قلمرو صلاحیتی دیوان عدالت اداری و نیز شعب و هیئت عمومی آن، صلاحیت دیوان از نظر ارکان دعوا و نقد آرای دیوان بوده است. هدف از نگارش این مقاله بررسی آراء صادره از دیوان عدالت اداری در حمایت از سیاستها و قوانین تسهیل در صدور مجوزها می باشد و سؤال اصلی ما این است که رویکرد دیوان در حمایت از تولید ملی و تسهیل در صدور مجوزها به عنوان یکی از موانع تولید چگونه می باشد؟ این مقاله در سه بخش تنظیم شده است: بخش نخست مفهوم شناسی صدور مجوزها در راستای رفع موانع تولید، بخش دوم صلاحیت دیوان عدالت اداری در حمایت از تولید و تسهیل صدور مجوزها و بخش سوم رویکرد دیوان نسبت به صدور مجوزها.

۱. مفهوم شناسی صدور مجوزها در راستای رفع موانع تولید

یکی از شاخص‌هایی که توسط آن توسعه اقتصادی قابل سنجش است، تولیدات داخلی و فضای کسب‌وکار است. ارتباط میان تولیدات داخلی و توسعه اقتصادی مورد تأکید اسناد بین‌المللی خصوصاً اعلامیه حق توسعه^۳ بوده به نحوی که یکی از لوازم توسعه پایدار رشد تولیدات داخلی و تبدیل آنها به کالاها و محصولات با کیفیت جهت مصارف داخلی است.

تحقق فضای مطلوب در حوزه تولیدات داخلی و فضای کسب‌وکار با سیاست‌های اتخاذی دولت‌ها در قالب مقررات پیوند دارند. همچنین دولت‌ها مکلف به تدوین سیاست‌های ملی و بین‌المللی در این خصوص هستند (امینی، ۱۳۹۴، ص. ۳۴). برای نیل به توسعه اقتصادی با الگو قرار دادن اصول اقتصاد مقاومتی و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، یکی از حوزه‌هایی که باید مورد توجه قرار گیرد نظام تقنینی است که باید در راستای رفع مقررات زائد و موانع تولید به تصویب قوانین و مقررات مناسب در راستای حمایت از تولید در کشور گام بردارد.

با ابلاغ سیاست‌های کلی اشتغال در سال ۱۳۹۰ توسط رهبری مباحثی در حوزه اقتصاد از جمله حمایت از تولید، بهبود محیط کسب‌وکار و ارتقای شاخص‌های آن و حمایت از بخش‌های خصوصی و تعاونی و رقابت از راه اصلاح قوانین، مقررات و

رویه‌های ذی‌ربط در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه نظام حقوقی قرار گرفت. اما با وجود رویکرد حمایتی در بحث تولید به زعم برخی از صاحب‌نظران چهار عامل مهم مانع بهبود شرایط در حوزه اشتغال می‌باشد. نخست؛ فضای کار نامناسب و موانع فراروی تولید سرمایه‌گذاری، دوم؛ قوانین و مقررات دست‌وپاگیر، سوم؛ منعطف نبودن محیط بازار و در نهایت واردات فزاینده و بی‌رویه (امینی، ۱۳۹۴، ص. ۳۴).

بنابراین بهبود در حوزه تولید و بهبود فضای کسب‌وکار علاوه بر تصویب قوانین و مقررات تسهیل‌گر و حمایتی نیازمند مقررات‌زدایی در قوانین مانند تأمین منابع مالی واحدهای تولیدی و عدم ارجاع آن به آیین‌نامه‌های پیچیده است که بیش از تولید قانون و مقررات جدید، نیازمند کم‌کردن بار مقرراتی، ایجاد شفافیت و ساده‌سازی فرایندها، کم‌کردن هزینه‌ها از طریق الکترونیکی شدن فرایندها و ایجاد سامانه‌ها و پنجره‌های واحد الکترونیکی در حوزه‌های مختلف کسب‌وکار به خصوص صدور مجوزها هستیم. در راستای اجرایی شدن سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی در سال ۱۳۸۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. در ماده ۷ قانون مذکور مقرر گردید: «به منظور تسهیل و تسریع در امر سرمایه‌گذاری و صدور مجوز فعالیت‌های اقتصادی برای بخش‌های غیردولتی در قلمروهای مجاز، دستگاه‌های دولتی موضوع ماده ۸۶ این قانون، شوراهای اسلامی شهر، شهرداری‌ها و مجامع و اتحادیه‌های صنفی موظفند ترتیبی اتخاذ کنند تا کلیه مقررات ناظر بر صدور پروانه‌ها و مجوزهای سرمایه‌گذاری و کسب‌وکار با رویکرد حذف مجوزهای غیرضروری، تسهیل شرایط دریافت مجوزها و شفاف‌سازی فعالیت‌های اقتصادی حداکثر ظرف شش ماه پس از تصویب این قانون به گونه‌ای اصلاح، تهیه و تدوین شود.»

در فرایند قانون‌گذاری در خصوص تسهیل صدور مجوزها به عنوان یکی از عوامل رفع موانع تولید، قانون اصلاح مواد ۱، ۶ و ۷ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۱۳۹۳ و ۱۳۹۹ و همچنین قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب ۱۳۹۳ در اصلاح و تکمیل قوانین موجود وضع شود. قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور با هدف رفع موانع

تولید در ۶۰ ماده تصویب شد که بر این اساس ذی‌نفع اصلی این قانون بخش خصوصی و فعالان اقتصادی در بخش‌های مختلف اقتصاد هستند. احکام مندرج در این قانون در سه بخش کلی بازارهای مالی، بدهی‌ها و مطالبات دولت تقسیم شده که اصلاحاتی در قانون مذکور در قالب مقررات‌زدایی به منظور رفع موانع تولید قابل مشاهده است (تیموری و محمدصادقی، ۱۳۹۹، ص. ۴۶). از جمله اقدامات پیش‌بینی شده در این قانون با موضوع صدور مجوزها تشکیل «هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار» در ماده ۵۷ می‌باشد. این هیئت به ریاست وزیر امور اقتصادی و دارایی و با حضور دادستان کل کشور، رئیس سازمان بازرسی کل کشور، رئیس دیوان محاسبات کشور یا نمایندگان تام‌الاختیار آنان، دو نماینده مجلس شورای اسلامی، رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، رئیس اتاق تعاون مرکزی ایران، رئیس اتاق اصناف ایران و حسب مورد نماینده دستگاه اجرایی ذی‌ربط موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده (۵) قانون محاسبات عمومی کشور و دارندگان ردیف و عنوان در قانون بودجه سنواتی مربوط، هر ماه حداقل یک‌بار تشکیل می‌شود. این هیئت موظف است حداکثر تا مدت سه ماه پس از ابلاغ این قانون، شرایط و مراحل صدور مجوزهای کسب‌وکار در مقررات، بخشنامه‌ها، آیین‌نامه‌ها و مانند این‌ها را به نحوی تسهیل و تسریع کند و هزینه‌های آن را به نحوی تقلیل دهد که صدور مجوز کسب‌وکار در کشور با حداقل هزینه و مراحل آن ترجیحاً به صورت آنی و غیرحضور و راه‌اندازی آن کسب‌وکار در کمترین زمان ممکن صورت پذیرد. مصوبات هیئت مذکور در مورد بخشنامه‌ها، دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌ها پس از تأیید وزیر امور اقتصادی و دارایی و در مورد تصویب‌نامه‌های هیئت وزیران پس از تأیید هیئت وزیران برای کلیه مراجع صدور مجوزهای کسب‌وکار و کلیه دستگاه‌ها و نهادها که در صدور مجوزهای کسب‌وکار نقش دارند، لازم‌الاجراء می‌باشد. همچنین به موجب تبصره ۶، ایجاد پنجره واحد به صورت حقیقی یا در فضای مجازی توسط دستگاه اصلی موضوع فعالیت که نیازمند اخذ مجوز از دستگاه‌های متعدد می‌باشد، مقرر شده است.^۵

قانون اصلاح مواد ۱، ۶ و ۷ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم و چهارم قانون اساسی مصوب ۱۳۹۳ و ۱۳۹۹، در مواد ۱ و ۷ به تعریف مجوز و تبیین قواعدی

در راستای تسهیل صدور آن پرداخته است. مجوز کسب‌وکار، هر نوع اجازه الکترونیکی و غیرالکترونیکی اعم از مجوز، پروانه، اجازه‌نامه، گواهی، جواز، نماد، پاسخ به استعلام، موافقت، تأییدیه یا مصوبه و هر نوع سند مکتوبی است که برای شروع، ادامه، توسعه، انحلال یا بهره‌برداری فعالیت اقتصادی توسط مراجع ذی‌ربط صادر می‌شود.^۶ مراجع صادرکننده مجوز، دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۸۶) قانون اجرای سیاست‌های کلی، ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری^۷ مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ و ماده (۵) قانون محاسبات عمومی کشور^۸ مصوب ۱۳۶۶/۶/۱، شوراهای اسلامی شهر و روستا، اتاق‌های بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، تعاون ایران و اصناف ایران، تشکل‌های اقتصادی و غیراقتصادی، اتحادیه‌ها، شوراها، مجامع و نظام‌های صنفی یا نمایندگان مستقیم یا غیرمستقیم آنها، دستگاه‌های زیرمجموعه قوه قضائیه و نهادها، مؤسسات و تشکیلات و سازمان‌های زیر نظر مقام معظم رهبری و سایر مراجع بنا به تشخیص هیئت مقررات‌زدایی و بهبود محیط کسب‌وکار می‌باشند.^۹ پیش‌بینی و راه‌اندازی درگاه ملی مجوزهای کشور از جمله مواردی است که در این ماده مورد تأکید قرار گرفته است. هر درخواست و صدور مجوزی از طریق درگاه ملی انجام می‌شود و راهبری و مدیریت درگاه ملی مجوزهای کشور با دبیرخانه هیئت مقررات‌زدایی و بهبود محیط کسب‌وکار است. صادرکنندگان مجوز کسب‌وکار اجازه ندارند به دلیل اشباع‌بودن بازار از پذیرش تقاضا یا صدور مجوز کسب‌وکار امتناع کنند.^{۱۰}

بنابراین به موجب ماده ۷ قانون اصلاح مواد ۱، ۶ و ۷ قانون اجرای سیاست‌های کلی نظام، حدود صلاحیت و اختیارات هیئت مقررات‌زدایی و بهبود کسب‌وکار عبارت است از:

- ۱- تعیین سقف برای صدور مجوز در هر کسب‌وکار،
- ۲- راه‌اندازی درگاه ملی مجوزها،
- ۳- دریافت نوع، شرایط و فرایند صدور، تمدید و لغو مجوزهای کسب‌وکار به همراه مبانی قانونی مربوطه از مراجعی که مجوز کسب‌وکار صادر می‌کند،
- ۴- تسهیل و تسریع در شرایط و مراحل صدور مجوزهای کسب‌وکار در مقررات، بخشنامه‌ها، آیین‌نامه‌ها و غیره و تقلیل هزینه‌های آن و راه‌اندازی آن در کمترین زمان ممکن،

- ۵- انتشار شرایط صدور مجوزهای کسب و کار به تفکیک هر کسب و کار در پایگاه اطلاع رسانی مجوزهای کسب و کار،
- ۶- حذف یا اصلاح دستورالعمل‌ها، بخشنامه‌ها، آیین نامه‌ها و سایر مقررات اجرایی محل کسب و کار،
- ۷- تعیین فهرست دستگاه‌های اصلی در صدور مجوز در فعالیت‌های اقتصادی برای ایجاد درگاه تخصصی صدور مجوز،
- ۸- صدور مصوبات در راستای بهبود کسب و کار و تسهیل در صدور مجوزها.

۲. صلاحیت دیوان عدالت اداری در حمایت از تولید و تسهیل صدور مجوزها

در نظام تقنینی وضع قوانین حاکم بر مردم و سازمان‌ها ناشی از قوه مقننه است و اگر با شرع و قانون اساسی مغایرتی نداشته باشد هیچ مرجعی جز قوه مقننه حق الغای آن را ندارد. اما مقررات و آیین‌نامه‌های اداری که توسط قوه مجریه وضع می‌شود در صورتی اعتبار دارند که مخالف قوانین مصوب در مجلس شورای اسلامی نباشند. نقش نهادهای نظارتی بعد از قانون‌گذاری بسیار حائز اهمیت است. یکی از این نهادها به موجب اصل ۱۷۳ قانون اساسی، دیوان عدالت اداری است. اصل ۱۷۳ قانون اساسی مقرر می‌دارد که: «به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها با آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام «دیوان عدالت اداری» زیر نظر رئیس قوه قضائیه تأسیس می‌شود. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می‌کند. در دیوان عدالت اداری، دو دسته صلاحیت قابل مطالعه است:

۲-۱. صلاحیت شعب دیوان

به موجب ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲، صلاحیت شعب دیوان عبارت است از:

- ۱- رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی و حقوقی نسبت به:
الف) تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی اعم از وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و سازمان تأمین اجتماعی و تشکیلات و نهادهای انقلابی و مؤسسات وابسته به آنها.

ب) تصمیمات و اقدامات مأموران واحدهای مذکور در بند «الف» در امور راجع به وظایف آنها.

۲- رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آراء و تصمیمات قطعی هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری و کمیسیون‌هایی مانند کمیسیون‌های مالیاتی، هیئت حل اختلاف کارگر و کارفرما، کمیسیون موضوع ماده ۱۰۰ قانون شهرداری‌ها منحصراً از حیث نقض قوانین و مقررات یا مخالفت با آنها.

۳- رسیدگی به شکایات قضات و مشمولان قانون مدیریت خدمات کشوری و سایر مستخدمان واحدها و مؤسسات مذکور در بند ۱ و مستخدمان مؤسساتی که شمول این قانون نسبت به آنها محتاج ذکر نام است اعم از لشکری و کشوری از حیث تضييع حقوق استخدامی».

یکی از راهکارهای پیش‌بینی‌شده در قوه قضائیه در راستای تحقق سیاست‌های کلی به ویژه در حوزه اقتصاد، تنظیم و ابلاغ «دستورالعمل پیگیری اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در قوه قضائیه» توسط ریاست قوه قضائیه است. پیرو این دستورالعمل، دبیرخانه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در قوه قضائیه شکل گرفت. هدف از ایجاد دبیرخانه مذکور استفاده مطلوب از ظرفیت‌های قوه قضائیه در تحقق سیاست‌های اقتصادی و هماهنگی بخش‌های مختلف با یکدیگر و با دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط در راستای امنیت سرمایه‌گذاری، رفع موانع حقوقی - قضائی تولید و اشتغال و مبارزه با مفاسد اقتصادی در چارچوب وظایف و اختیارات قوه قضائیه می‌باشد.

از جمله وظایف این دبیرخانه، اطلاع از مشکلات حقوقی و قضائی فعالان اقتصادی و انجام اقدامات لازم به منظور رفع این مشکلات و تسهیل فعالیت آنها است.^{۱۱}

یکی از فعالیت‌های دبیرخانه ستاد مرکزی، راه‌اندازی سامانه «حمایت از فعالان اقتصادی» با عنوان «حامی» است. فعالیت این سامانه برطرف کردن مشکلات و موانع موجود بر سر راه کارآفرینان و حمایت از واحدهای تولیدی و همچنین تلاش برای جلوگیری از تعطیلی واحدهای صنعتی است. همچنین برای اجرای مصوبات ستاد مرکزی در ابعاد حقوقی و قضائی در استان‌ها، ستاد استانی به ریاست رئیس کل دادگستری استان‌ها تشکیل شده است. در ستاد مرکزی و ستادهای استانی دو هدف دنبال می‌شود؛ مبارزه با مفاسد اقتصادی و حمایت‌های حقوقی قضائی از فعالان اقتصادی.^{۱۲}

ماده ۱۴ دستورالعمل پیگیری اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در قوه قضائیه مقرر کرده است: «دیوان عدالت اداری موظف است در راستای تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، اقدامات زیر را انجام دهد:

الف) تسریع در رسیدگی و ابطال مقررات و آیین‌نامه‌های مغایر با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی،

ب) تسریع در رسیدگی به اعتراضات نسبت به تصمیم‌های دولتی مرتبط با سیاست‌های مذکور،

پ) رعایت سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در صدور دستورهای موقت».

دیوان عدالت اداری در راستای اقدامات تصریح‌شده در دستورالعمل مذکور، دبیرخانه اقتصاد مقاومتی متشکل از معاونین دیوان را تشکیل داده و همچنین در تارنمای دیوان شورای حمایت از تولید را راه‌اندازی کرده است. در مواردی که توسط فعالان اقتصادی گزارش می‌شود، تأخیر در رسیدگی و یا عدم صدور دستور موقت موجب تعطیلی واحد تولیدی یا ایجاد موانع برای فعالیت‌های تولیدی می‌شود، با صلاحدید شورا به شعب دیوان ارجاع می‌شود و پیگیری‌های لازم برای سرعت در رسیدگی و صدور دستور موقت صورت می‌گیرد.

به نظر می‌رسد آنچه می‌تواند در راستای رفع موانع تولید و تسهیل در صدور مجوزها از جمله اقدامات مؤثر دیوان قلمداد شود، توجه و اهتمام قضات شعب بر تسریع در رسیدگی و صدور دستور موقت باشد و این امر با ایجاد شورای حمایت از تولید در دیوان تسهیل می‌شود.

۲-۲. صلاحیت هیئت عمومی دیوان

به موجب ماده ۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲، هیئت عمومی با شرکت حداقل دو سوم قضات دیوان به ریاست رئیس دیوان و یا معاون قضائی وی تشکیل می‌شود و ملاک صدور رأی، نظر اکثریت اعضای حاضر است. هیئت عمومی دیوان از ارکان مهم دیوان است که علاوه بر صدور آراء وحدت رویه قضائی، وظیفه ابطال مصوبات مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از محدوده اختیارات نهادهای دولتی را بر عهده دارد. ماده ۱۲ قانون دیوان در خصوص

صلاحیت هیئت عمومی مقرر می‌دارد که:

۱- رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از آیین‌نامه‌ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداری‌ها و مؤسسات عمومی غیردولتی در مواردی که مقررات مذکور به علت مغایرت با شرع یا قانون و یا عدم صلاحیت مرجع مربوط یا تجاوز یا سوءاستفاده از اختیارات یا تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایفی که موجب تضييع حقوق اشخاص می‌شود.

۲- صدور رأی وحدت رویه در موارد مشابه که آراء متعارض از شعب دیوان صادر شده باشد.

۳- صدور رأی ایجاد رویه که در موضوع واحد، آراء مشابه متعدد از شعب دیوان صادر شده باشد».

قضات دیوان عدالت اداری که مسئولیت انطباق قوانین را بر دعاوی و اختلافات عامه به عهده دارند، در جهت ارزیابی اعتبار دستوری مصوبات، در ذهن خود و یا در حکم مستدل خود، قانون را شرح و تفسیر می‌کنند و ضمن استنباط حکم، حدود اعتبار و نفوذ هر یک از دو قاعده حقوقی را مشخص می‌سازند. در این خصوص، دیوان از سویی به واسطه اعمال تفاسیر و استناد به قانون اساسی به اجرای هنجارهای اساسی توسط مقامات اداری می‌پردازد و بدین‌وسیله موجبات توسعه رویه قضائی راجع به حقوق و آزادی‌های بنیادین را فراهم می‌آورد. همچنین با ابطال مقررات اداری خلاف قانون اساسی، رشد و اعتلای فرایند اساسی‌سازی حقوق اداری را ادامه می‌دهد. از سوی دیگر دیوان عدالت اداری با عطف توجه به حقوق قانون اساسی، به قضائی نمودن، شناسایی و تضمین حقوق بنیادین ملحوظ در آن می‌پردازد و به تعبیری این حقوق را اداری‌سازی می‌نماید (جلالی و سعیدی روشن، ۱۳۹۵، ص. ۱۳۰). به تعبیر دیگر کار قضای کاربست قانون است که با استنتاج از سلسله مراتب هنجارها انجام می‌پذیرد (احمدوند، ۱۳۹۰، ص. ۱۱۶). رویه قضائی از سویی نقص ناشی از عدم انعطاف قانون اساسی نسبت به مسائل اجتماعی جدید که شاید مبانی کلی نظام حقوقی را دربرگیرد و به نوعی مورد اشاره قانون اساسی واقع نشده است، جبران می‌کند (ارسطا، ۱۳۹۱، صص. ۵۳-۵۵) و قانون اساسی را با اموری که برای قانون‌گذار قابل پیش‌بینی نبوده است،

سازگار می‌سازد. در این خصوص، دیوان عدالت اداری با رویه قضائی پویا و متحول که در شرایط عدم حضور قانون عام اداری و عدم اشاره قانون اساسی به اصول جدید، راهگشا خواهد بود، منجر به ارائه اصول و حقوق جدید به ویژه در حوزه حقوق اداری می‌شود (فاطمی، ۱۳۹۱، صص. ۹۸-۱۰۰).

بنابراین رویه قضائی دیوان در اعمال قوانین حمایتی و تسهیل‌گری اقتصادی می‌تواند نقش مؤثری ایفا نماید به این معنا که هم حقوق بازیگران اقتصادی را تضمین کند تا فرایند تولید در جامعه رو به رشد باشد و از سوی دیگر با تضمین قوانین موضوعه و قانون اساسی مانع نقض قوانین موجود شود و با حفظ حاکمیت قانون، نظم حاکم بر جامعه را تأمین کند.

سؤال قابل بحث این است که آیا قضات دیوان عدالت اداری در صدور آرای هیئت عمومی می‌توانند علاوه بر قانون اساسی و قوانین موضوعه به سیاست‌های کلی نظام استناد کنند یا خیر؟

سیاست‌های کلی نظام از طرف رهبری به موجب اصل یکصد و دهم قانون اساسی جهت‌گیری‌های کشور را در همه عرصه‌های حکومت تعیین می‌کند و در بند دوم اصل مذکور بر لزوم نظارت بر حسن اجرای این سیاست‌ها تأکید شده است. مقام معظم رهبری سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را با هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله بر اساس بند یک اصل یکصد و دهم قانون اساسی پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ کرده‌اند.^{۱۳} برخی از حقوق‌دانان با اشاره به اینکه سیاست‌ها نه قانون هستند و نه حکم شرعی، امکان استناد به آنها را منتفی دانسته‌اند (شیرزاد، ۱۳۹۵، ص. ۱۸۷). آنان معتقدند که میزان الزام‌آوری سیاست‌های کلی به اندازه قانون نیست و جز احکام حکومتی هم نیستند (شیرزاد، ۱۳۹۵، صص. ۱۷۴-۱۷۵).

لذا نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی نظام در حوزه تصمیمات موردی، صرفاً در حدود ماده ۹ مقررات نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام^{۱۴} مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۲۴ جاری خواهد بود که رئیس دیوان عدالت اداری و یا مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌توانند نقطه آغازی بر این فرایند باشند. در واقع دیوان عدالت اداری مبتنی بر این ماده می‌تواند فرایندآفرینی کند (شیرزاد، ۱۳۹۵، صص. ۱۷۹-۱۸۰). لذا

امکان استناد به سیاست‌های کلی در دیوان عدالت اداری وجود ندارد (بکشلو و طحان نظیف، ۱۳۹۹، ص. ۵۸۵). رویه دیوان عدالت اداری بر این امر مستقر شده که امکان استناد به قانون اساسی در آرای دیوان وجود دارد. در مقابل برخی از حقوق‌دانان با استناد به بند ۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی، نظام را یکی از الزاماتی می‌دانند که رعایت آنها مورد انتظار مقنن اساسی بوده است. لذا نقض سیاست‌ها از این حیث نقض قانون اساسی تلقی می‌شود. در واقع در این استدلال، سیاست‌های کلی «یکی از حدود مقرر در قانون اساسی» در نظر گرفته می‌شود. گفتنی است که اقتضای پذیرش این استدلال رعایت حدود و ثغوری است که در استناد به قانون اساسی تبیین می‌شود. بنابراین در این زمینه به امکان استناد به سیاست‌های کلی در پی استناد به قانون اساسی اشاره دارند. با بررسی که در آرای دیوان با موضوع سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و به طور خاص بحث تسهیل در صدور مجوزها صورت گرفته، به این نتیجه دست می‌یابیم که قضات دیوان در صدور آرا به قوانین مصوب استناد می‌کنند و در حقیقت آن مواردی از سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی که تبدیل به قانون شده است، قابلیت استناد دارد.

۳. رویکرد دیوان در رفع موانع تولید؛ تسهیل در صدور مجوزها

در راستای تحقق سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی که توجه ویژه بر مباحث اقتصادی از جمله حمایت از تولید و بهبود فضای کسب‌وکار داشته است و تسهیل در صدور مجوزها به عنوان یکی از راهکارهای حمایتی در رونق کسب‌وکار و در نهایت تأثیر مثبت در رشد و تولید اقتصادی برشمرده می‌شود، به بررسی رویه دیوان عدالت اداری به عنوان نهاد ناظر قضائی می‌پردازیم. مقرراتی که توسط نهادها و سازمان‌های اجرایی در اعمال قوانین مصوب مجلس در رفع موانع برای بازیگران اقتصادی در حوزه خصوصی تصویب می‌شوند، می‌بایست مورد نظارت و پایش قرار گیرند تا جایی که حقوق فعالان اقتصادی در این حوزه تضمین شود. از این‌رو با مطالعه آرای هیئت عمومی با موضوع تسهیل در فرایند صدور مجوزها به بررسی رویکرد دیوان می‌پردازیم:

۳-۱. ابطال مصوبات مغایر با قانون اصلاح مواد ۱، ۶ و ۷ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به استناد مغایرت با قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی به ابطال برخی از مصوبات پرداخته است. رأی شماره ۱۰۵۲-۱۳۹۸/۶/۵ هیئت عمومی در خصوص آیین‌نامه تأسیس داروخانه‌ها که برای تأسیس آنها حد نصاب جمعیتی مشخص می‌شود، به استناد عموم و اطلاق تعریف مندرج در ماده ۱ قانون اصلاح مواد ۱، ۶ و ۷ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب سال ۱۳۹۳ که لفظ «مجوز کسب‌وکار» را شامل پروانه‌های تأسیس داروخانه‌ها می‌داند و طبق تبصره ۲ ماده ۷ قانون اخیرالذکر که صادرکنندگان مجوز کسب‌وکار اجازه ندارند به دلیل «اشباع بودن بازار» از پذیرش تقاضا یا صدور مجوز کسب‌وکار امتناع کنند، حکم بر ابطال آن صادر می‌کند. رأی مشابه آن به شماره ۸۰۷-۱۴/۱۰/۱۳۹۵ صادره از هیئت عمومی، بخشنامه وزارت صنعت، معدن و تجارت را در خصوص صدور مجوز برای نانوایی‌ها که منوط به ظرفیت‌سنجی و استعلام از شرکت‌های غله و خدمات بازرگانی می‌داند، به استناد تبصره ۲ ماده ۷ قانون اصلاح مواد ۱، ۶ و ۷ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ مصوب ۱۳۹۳ مبنی بر اینکه صادرکنندگان مجوز کسب‌وکار اجازه ندارند به دلیل «اشباع بودن بازار» از پذیرش تقاضا یا صدور مجوز کسب‌وکار امتناع کنند، ابطال می‌کند.

همچنین می‌توان به رأی وحدت رویه شماره ۱۸۶۱-۱۳۹۹/۱۲/۲ هیئت عمومی دیوان اشاره کرد که به حل تعارض آرا با خواسته الزام به صدور مجوز تاکسیرانی به طرفیت شهرداری می‌پردازد. در این رأی قضات هیئت عمومی همانند آرای فوق‌الذکر به قانون اصلاح مواد ۱، ۶ و ۷ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ استناد می‌کنند و منوط کردن صدور مجوز به اعلام نیاز شهرداری را خلاف قانون می‌دانند.

بنابراین بر اساس آرای مذکور توجه قضات دیوان بر اجرا و اعمال قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی معطوف می‌باشد و در راستای تحقق این سیاست‌ها بر حاکمیت قانون تأکید دارند تا جایی که وضع مقررات محدودکننده فعالیت‌های کسب‌وکار را خلاف قانون قلمداد می‌کنند.

۲-۳. تفسیر قانون اصلاح مواد ۱، ۶ و ۷ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی؛ تعریف کسب و کار

به دلیل ابهام در دامنه شمول تعریف کسب و کار و فعالیت اقتصادی و عدم بیان مصادیق آن در قانون رفع موانع تولید و قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و اصلاحات آن، تصمیمات و مصوبات هیئت مقررات‌زدایی در خصوص صدور مجوز برای برخی از حرفه‌ها مورد نظارت دیوان قرار گرفته است. از جمله می‌توان به مؤسسات حقوقی و دفاتر اسناد رسمی اشاره کرد.

آرای صادره دیوان در خصوص مؤسسات حقوقی در یک رویه یکسان و همسو نمی‌باشد. اولین رأی صادره به شماره ۲۰۵-۱۳۹۶/۹/۲۹ توسط هیئت تخصصی اداری و استخدامی دیوان عدالت اداری است که ثبت مؤسسات حقوقی را با استناد به ماده ۵۵ قانون وکالت منوط به داشتن پروانه وکالت نمی‌داند و این در حالی است که جواز ثبت مؤسسات حقوقی برای عموم مردم و عدم پیش بینی شرایط تخصصی و صلاحیتی لازم برای متقاضیان ثبت این‌گونه مؤسسات را در عمل دارای مشکلات احتمالی می‌داند.

هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوز کسب و کار نیز به صدور مصوبه‌ای^{۱۵} در خصوص مؤسسات حقوقی پرداخته که مقرر می‌دارد: «۱- با عنایت به اینکه ثبت و تأسیس شرکت‌ها و مؤسسات با موضوع فعالیت حقوقی (به استثناء فعالیت حقوقی در امور وکالت محاکم دادگستری) طبق هیچ قانونی منوط به کسب اذن از کانون‌های وکلای دادگستری یا مرجع دیگر نشده است، اداره کل ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری الزامی به استعلام یا اخذ مجوز در زمان ثبت اشخاص حقوقی مذکور ندارد و همان رویه سابق اداره مذکور ادامه می‌یابد. ۲- پیشنهاد کانون وکلای دادگستری مرکز مبنی بر ایجاد مجوز «مؤسسات حقوقی» مورد تأیید هیئت مقررات‌زدایی قرار نگرفت. بر این اساس اطلاعات بارگذاری شده در خصوص موضوع مذکور از پایگاه اطلاع‌رسانی مجوزهای کسب و کار حذف می‌شود و بنابراین فعالیت مؤسسات مذکور پس از ثبت نزد مرجع ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری نیازمند اخذ مجوز نمی‌باشد».

مصوبه فوق‌الذکر در دیوان مورد اعتراض قرار گرفت و رأی شماره ۸۳ تا ۸۶ - ۱۳۹۸/۳/۸ هیئت تخصصی اداری و امور عمومی دیوان عدالت اداری، مصوبه را قابل ابطال ندانست فلذا فعالیت مؤسسات حقوقی را نیازمند اخذ مجوز نمی‌داند؛ یعنی نظر

پیشین دیوان را در این موضوع تأیید می‌کند.

در نظرات موافقان این رأی استناد به قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و اقدامات قانونی در جهت تسهیل در فضای کسب‌وکار با رفع موانع پیش‌رو از جمله صدور مجوز دیده می‌شود. درحالی‌که بسیاری از حقوق‌دانان نظر مخالف استدلال رأی شماره ۲۰۵-۱۳۹۶/۹/۲۹ را دارند. از این‌رو جمعی از قضات از هیئت عمومی دیوان درخواست رسیدگی مجدد به رأی شماره ۲۰۵-۱۳۹۶/۹/۲۹ نمودند. رأی شماره ۱۸۳-۱۳۹۸/۲/۱۷ هیئت عمومی مجدد نظر هیئت تخصصی (رأی شماره ۲۰۵-۱۳۹۶/۹/۲۹) مبنی بر عدم لزوم پروانه وکالت برای ثبت مؤسسات حقوقی را تأیید می‌کند و بخشنامه سازمان ثبت اسناد و املاک را قابل ابطال نمی‌داند.

جمعی از قضات دیوان در خصوص آرای صادره با موضوع مؤسسات حقوقی مجدد اعتراض نمودند و اعمال ماده ۹۱ نسبت به رأی ۱۸۳-۱۳۹۸/۲/۱۷ هیئت عمومی و اعمال ماده ۸۴ نسبت به رأی ۸۳ تا ۸۶-۱۳۹۸/۳/۸ را درخواست کردند. این بار هیئت عمومی در رأی ۲۷۵۴-۱۳۹۸/۹/۱۹ بر خلاف آرای گذشته نظر قضات را مبنی بر خروج موضوعی وکالت و مؤسسات حقوقی از مشاغل اقتصادی و در نتیجه ضرورت اخذ مجوز را می‌پذیرد و حکم بر ابطال بخشنامه سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و همچنین مصوبه هیئت مقررات‌زدایی صادر می‌کند. استدلال این رأی مبتنی بر قوانین از جمله ماده ۶۲ قانون برنامه پنجم توسعه و ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ایران و همچنین ماده ۵۵ قانون وکالت است. بنابراین تأسیس و ثبت مؤسسات حقوقی برای آن دسته از فارغ‌التحصیلان رشته حقوق که فاقد پروانه وکالت هستند به اخذ مجوز از قوه قضائیه منوط است.

موضوع دیگری که دیوان در خصوص آن اظهار نظر می‌کند بحث دفاتر اسناد رسمی می‌باشد. هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار در جلسه سی و سوم مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۲ در خصوص بررسی و پیشنهاد اصلاح رویه‌های مرتبط با مجوز سردفتری به شرح ذیل اتخاذ تصمیم می‌نماید: «۱- سازمان ثبت اسناد و املاک کشور با همکاری کانون سردفتران و دفتریاران شرایط احراز صلاحیت برای دریافت مجوز سردفتری را تعیین کرده و نسبت به بارگذاری اطلاعات صدور این مجوز در پایگاه اطلاع‌رسانی مجوزهای کسب‌وکار اقدام نماید. ۲- با توجه به حکم ماده ۹۲ قانون اجرای

سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مبنی بر نسخ کلیه قوانین و مقررات مغایر با آن، از آنجا که ماده ۵ قانون دفاتر اسناد رسمی در مغایرت با حکم تبصره ۲ ماده ۳ قانون اصلاح مواد ۱، ۶ و ۷ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی است لذا ماده ۵ مذکور نافذ نیست».

هیئت مذکور با وضع این مصوبه کانون سردفتران و دفتریاران را از جمله کسب‌وکارهای مشمول قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ دانسته و همچنین به موجب بند ۲ مقرر، به نسخ ماده ۵ قانون دفاتر اسناد رسمی پرداخته است. رأی شماره ۱۷۶۸ و ۱۳۹۹/۱۱/۲۱-هیئت عمومی حکم به ابطال مصوبه فوق‌الذکر صادر می‌کند. دلایل مورد استناد در این رأی در خصوص دامنه شمول قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و وظایف هیئت مقررات‌زدایی قابل تأمل است. در تعریف کسب‌وکار این‌گونه بیان می‌کند که اگرچه فعالیت در کسب‌وکارهای موضوع قانون اصلاح مواد ۱، ۶ و ۷ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۱۳۹۳/۴/۱، مستلزم صدور مجوز، موافقت‌نامه، پروانه یا عنوان مشابه است اما هر شغل و فعالیتی که به مجوز نیاز داشته باشد لزوماً از قبیل کسب‌وکارهای موضوع ماده سه قانون مذکور نیست. به‌کارگیری عبارت «بناگاه‌های اقتصادی» و «بازار» و استفاده از کلماتی همچون، احتکار، قیمت‌های تهاجمی، تبعیض در شرایط برابر، محدود کردن یا تحت کنترل در آوردن قیمت، مشخص کردن قیمت‌های خرید و... در بسیاری از مواد قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و قانون اصلاح مواد یک، شش و هفت قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، دلالت بر خروج موضوعی مقوله سردفتری از شمول قوانین مورد اشاره دارد.

اگرچه آرای دیوان در موضوع مؤسسات حقوقی در ابتدا متفاوت بودند اما به نظر می‌رسد در حال حاضر به یک رویه ثابت و یکسانی دست یافته‌اند چراکه با تعریف عنوان کسب‌وکار در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، مشاغلی که جنبه خدمات حاکمیتی و مرتبط با امر قضا است را از شمول آن خارج می‌سازد و بنابراین سردفتری و وکالت و مؤسسات حقوقی را از مصادیق اجرای تسهیل در صدور مجوزها مقرر در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی نمی‌داند. تبیین دامنه شمول کسب‌وکار در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و تعریف آن توسط

نهاد قضائی در واقع خلأ موجود در قانون که ایجاد ابهام کرده است را به نحو صحیحی برطرف می‌سازد.

۳-۳. تعیین حدود صلاحیت هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزها

دیوان در رأی شماره ۲۷۵۰ تا ۲۷۵۳ - ۱۳۹۸/۹/۱۹ هیئت عمومی در خصوص مصوبه هیئت مقررات‌زدایی در مورد کانون وکلا و مرکز مشاوران قوه قضائیه این‌گونه اظهارنظر می‌کند که در مواردی که مقنن در قوانین عادی شرایط و مراحل صدور مجوزهای کسب‌وکار را تعیین کرده است، هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار صلاحیت اتخاذ تصمیم ندارد. از آنجا که امور مربوط به وکالت و مشاوره حقوقی از مصادیق تسهیل سرمایه‌گذاری در ایران محسوب نمی‌شود و از طرفی در رابطه با وکالت دادگستری و مشاوره حقوقی و نحوه صدور پروانه فعالیت در این حوزه‌ها در قانون وکالت، لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری، قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری و نیز ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران تعیین تکلیف شده است، بنابراین هیئت مزبور صلاحیت ورود را ندارد. همچنین در رأی مزبور بیان می‌کند که به موجب تبصره ۳ ماده ۳ قانون اصلاح مواد ۱، ۶ و ۷ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی موضوع ماده ۵۷ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب سال ۱۳۹۴، هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار موظف است شرایط و مراحل صدور مجوزهای کسب‌وکار در مقررات، بخشنامه‌ها، آیین‌نامه‌ها و مانند این‌ها را تسهیل و تسریع کند تا اهداف مورد نظر مقنن حاصل شود فلذا تعیین تکلیف در صدور مجوز در مواردی که قانون شرایط را مشخص کرده باشد در صلاحیت هیئت مقررات‌زدایی نیست.

همچنین رأی شماره ۱۷۶۸ و ۱۷۶۹-۱۳۹۹/۱۱/۲۱ هیئت عمومی حکم به ابطال بند ۲ مصوبه جلسه سی و سوم مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۲ هیئت مقررات‌زدایی مبنی بر نسخ ماده ۵ قانون دفاتر اسناد رسمی صادر می‌کند. استدلال قضات در این رأی مبتنی بر تعیین حدود صلاحیت هیئت مزبور می‌باشد و مقرر می‌دارند که اعلام غیرنافذ بودن ماده ۵ قانون دفاتر اسناد رسمی توسط هیئت مقررات‌زدایی مخالف قانون و خارج از حدود اختیارات آن هیئت است چراکه نسخ قوانین از جمله وظایف معاونت قوانین مجلس

شورای اسلامی است.

رای دیگری که در دیوان صادر شده و از استدلال مشابه استفاده کرده، رای شماره ۳۰۶۶ و ۱۳۹۸/۱۱/۱-۳۰۶۷ هیئت عمومی است. در این رای نیز مصوبه هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوز^{۱۶} مبنی بر عدم نیاز به اخذ مجوز در رابطه با ثبت تغییرات شرکت‌های تعاونی، اتحادیه‌ها و اتاق‌های تعاون از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ابطال می‌شود. مستند رای مذکور مشابه دیگر آرای دیوان است و وظیفه هیئت مقررات‌زدایی را تنها در تسهیل و تسریع شرایط و مراحل صدور مجوزهای کسب‌وکار در مقررات، بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌ها و مانند این‌ها می‌داند و صلاحیت وضع مقرره در جایی که خود قانون‌گذار تعیین تکلیف کرده را ندارد.

بنابراین با توجه به رای صادره از هیئت عمومی دیوان عدالت اداری می‌توان به این نتیجه دست یافت که قانون‌گذار حدود صلاحیت هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزها را تنها در مقررات، آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها می‌داند و در مواردی که قوانین موضوعه مراحل و شرایط صدور مجوز را مشخص کرده باشند، صلاحیت ورود ندارد. در حقیقت دیوان با صدور این آرا به تفسیر قانون و تعیین حدود صلاحیت هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزها می‌پردازد و این امر موجب حمایت از حقوق افراد در راستای اجرای قوانین مصوب می‌باشد.

۳-۴. نقد رای شماره ۱۰۷۲-۱۳۹۸/۶/۱۲ هیئت عمومی؛ استعلام از شهرداری برای صدور پروانه کسب

موضوع رای شماره ۱۰۷۲-۱۳۹۸/۶/۱۲ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص ابطال مصوباتی است که صدور پروانه کسب از سوی مراجع صنفی را منوط به استعلام از شهرداری نمی‌داند. اختلاف مابین اتاق اصناف و شهرداری‌ها در سطح کشور وجود دارد به نحوی که اصولاً اتاق اصناف معتقد است به موجب قوانین، الزامی بر اخذ استعلام از شهرداری وجود ندارد اما در مقابل شهرداری‌ها به دلیل ایجاد نظم در شهر و همچنین کسب درآمد، استعلام را برای صدور مجوز لازم می‌دانند.

قضات در رای شماره ۱۰۷۲-۱۳۹۸/۶/۱۲ به بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداری که به موجب آن وظیفه دارند از ایجاد و تأسیس کلیه اماکنی که به‌نحوی از انحاء موجب بروز

مزاحمت برای ساکنین شده یا مخالف اصول بهداشت در شهرها هستند، جلوگیری نمایند و به ماده ۸۰ قانون نظام صنفی که صدور پروانه کسب برای اماکن با کاربری اداری یا کارگاهی بلامانع می‌داند، استناد می‌کنند و بر اساس آن این‌گونه به صدور رأی می‌پردازند که تعیین کاربری اماکن برای صدور پروانه کسب بدون استعلام از شهرداری امکان‌پذیر نیست و بخشنامه شماره ۰۶/۸۵۲۴-۷/۱۷-۱۳۹۶/۸/۱۷ رئیس اتاق اصناف ایران که بر مبنای آن استعلام از شهرداری‌ها برای صدور و یا تمدید پروانه کسب غیرالزامی اعلام شده، مغایر قانون است.

از سوی دیگر برخی از حقوق‌دانان بر خلاف استنباط رأی مذکور معتقدند که لزوم استعلام از شهرداری برای صدور پروانه کسب در هیچ قانونی مقرر نشده است. زیرا به موجب ماده ۱۲ قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۸۲، افراد صنفی موظفند قبل از تأسیس هر نوع واحد صنفی یا اشتغال به کسب و حرفه، نسبت به اخذ پروانه کسب اقدام کنند. بند «د» ماده ۳۰ نیز صدور پروانه کسب را از اختیارات و وظایف اتحادیه‌های صنفی می‌داند. همچنین در راستای اجرای ماده ۱۲ قانون نظام صنفی، قانون‌گذار شرایط و الزامات قانونی جهت صدور پروانه کسب را به آیین‌نامه اجرایی واگذار کرده است. بنابراین در قانون نظام صنفی مشخص شده است که صدور پروانه کسب بر عهده اتحادیه‌های صنفی و شرایط صدور آن مبتنی بر مقررات آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۲ می‌باشد. آنچه در این خصوص حائز اهمیت است این نکته می‌باشد که در قانون و آیین‌نامه اجرایی، تکلیف و الزامی به اخذ استعلام از شهرداری وجود ندارد. در آیین‌نامه همه موارد الزام قانونی مانند مالیات (ردیف ۳ ذیل بند الف ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۲ قانون نظام صنفی) ذکر شده است و الزامی برای اخذ استعلام از شهرداری توسط مراجع ذی‌صلاح برای صدور یا تمدید پروانه کسب در آن دیده نمی‌شود.

از سوی دیگر ماده ۷ قانون اصلاح مواد ۱، ۶ و ۷ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی به منظور تسهیل سرمایه‌گذاری در ایران به تسهیل شرایط و فرایند صدور و تمدید مجوزها می‌پردازد و در ذیل تبصره ۴ آن بیان می‌کند که مراجع صادرکننده مجوز کسب و کار حق ندارند حتی با توافق متقاضی مجوز، هیچ شرطی یا مدرکی یا هزینه‌ای بیش از آنچه در پایگاه اطلاع‌رسانی مجوزهای کسب و کار، موضوع ماده ۵۷ قانون رفع موانع تولید تصریح شده از متقاضی مجوز مطالبه کنند. از این رو اخذ

استعلام از شهرداری به عنوان ملزومات صدور پروانه کسب نیازمند تصریح قانون‌گذار می‌باشد و امکان توافق بر آن نیز وجود ندارد.

یکی از نکاتی که در رأی هیئت عمومی مورد استناد قرار می‌گیرد این است که به موجب قانون، کاربری محل کسب باید اداری و تجاری باشد بنابراین استعلام از شهرداری لازم است. اما به نظر می‌رسد تنها راه تشخیص کاربری اماکن، استعلام از شهرداری نیست بلکه اصولاً در سند مالکیت نوع کاربری تعیین می‌شود.

با توجه به استدلال‌های موافقین و مخالفین رأی ۱۰۷۲-۱۳۹۸/۶/۱۲ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری می‌توان گفت که رأی مذکور مطابق مستندات قانونی صادر نشده و در صدور آن توجه به ملاحظات عملی شده است. دیوان در این رأی طبق رویه خود که قانون‌گرایی بوده به صدور رأی نمی‌پردازد.

نتیجه‌گیری

رهبری به موجب اصل ۱۱۰ قانون اساسی، تبیین سیاست‌های کلی نظام را بر عهده دارد و با توجه به مشکلات اقتصادی در کشور، در سال‌های اخیر به بیان سیاست‌های کلی اقتصادی و تأکید بر حمایت از تولید و رفع موانع آن پرداخته است. همچنین بهبود بخشیدن به وضعیت اشتغال، تولید و به طور کلی معیشت مردم از مصادیق احیای حقوق عامه می‌باشد. در راستای تحقق سیاست‌های اقتصادی و تضمین حقوق عامه نیازمند تقویت نظام تقنینی، اجرایی و قضائی در کشور هستیم. پیرو ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی که به مباحث اقتصادی می‌پردازد، قوانینی در این راستا وضع شده‌اند. در موضوع مورد بحث ما یعنی تسهیل در صدور مجوزها به عنوان یکی از راهکارهای رفع موانع تولید می‌توان به قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب ۱۳۹۴ و همچنین قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۱۳۸۶ و اصلاحات آن اشاره نمود. با گذر از وضع تقنینی کشور در این حوزه و چالش‌های آن که موضوع مورد بحث ما نیست، توجه بر اجرا و اعمال قوانین و نظارت صحیح بر آنها حائز اهمیت است که ما سعی کردیم در این مقاله به آن بپردازیم.

در اجرای قوانین موجود توسط دولت با حجم زیادی از مقررات و آیین‌نامه‌های دولتی مواجه هستیم که باید از لحاظ انطباق با قوانین مورد نظارت و بررسی قرار گیرد.

دیوان عدالت اداری به عنوان یک نهاد ناظر قضائی موظف است به پایش مقررات دولتی بپردازد. از سوی دیگر توجه بر سیاست‌های کلی اقتصادی توسط قضات می‌تواند مسیری را در جهت تسریع در رسیدگی و صدور دستور موقت برای رفع موانع تولید ایجاد کند که منجر به حمایت از تولیدکنندگان و بهبود فضای کسب‌وکار شود.

قوه قضائیه با صدور دستورالعمل پیگیری سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی سعی کرد تا رویکرد حمایتی نسبت به تولیدکنندگان داشته باشد و در عمل با ایجاد دبیرخانه اقتصاد مقاومتی بر این امر اهتمام ویژه‌ای دارد. دیوان عدالت اداری نیز به عنوان رکنی از ارکان قوه قضائیه از این وظیفه مستثنی نشده است و در تلاش است که با تسریع در رسیدگی‌های پرونده‌های مرتبط با موضوع تولید از تولیدکنندگان حمایت کند. اما آنچه دیوان را از سایر ارکان قوه قضائیه متمایز می‌کند، نظارت بر مقررات دولتی است.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص تسهیل صدور مجوزها رویکرد مبتنی بر قانون را در پیش گرفته است. قضات هیئت عمومی دیوان به ابطال مقررات دولتی که مغایر با قوانین موجود باشد می‌پردازند. اگرچه هیئت عمومی در صدور حکم رأی شماره ۱۰۷۲-۱۳۹۸/۶/۱۲، رویکرد مبتنی بر قانون را اتخاذ نکرده است و با توجه به ملاحظات عملی اخذ استعلام از شهرداری را برای صدور پروانه کسب الزامی می‌داند اما دیوان می‌تواند با اصلاح این رأی، رویه خود مبتنی بر قانون‌گرایی را تثبیت کند.

از سوی دیگر رویه دیوان مبتنی بر تفسیر قوانین مرتبط می‌باشد. قانون رفع موانع تولید و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در صدور مجوز برای کسب‌وکارها به تعریف روشنی از واژه کسب‌وکار نپرداخته است و این امر موجب اختلافاتی در اعمال قاعده تسهیل در صدور مجوز برای مشاغل شده است. آرای صادره از هیئت عمومی مصوباتی را که مؤسسات حقوقی و دفاتر اسناد رسمی را مشمول قانون اصلاح قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ می‌داند، ابطال می‌کند و در حقیقت با ابطال این مصوبات به تبیین و تفسیر قانون پرداخته است. همچنین می‌توان به آرای اشاره کرد که حدود صلاحیت هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوز کسب‌وکار را مشخص می‌کند. این هیئت به موجب قانون، صلاحیت وضع مقررات لازم‌الاجرا را دارد اما در برخی موارد از حدود صلاحیت خود پا را فراتر گذاشته و این

امر موجب تضييع حقوق افراد شده است. بنابراین ملاحظه می‌شود که دیوان توجه ویژه‌ای بر اعمال قوانین و حاکمیت قانون دارد و در مواردی که در قانون ابهام وجود داشته باشد به تفسیر قضائی آن و ایجاد وحدت رویه می‌پردازد و این امر نشان‌دهنده تأثیر رویه قضائی در پر کردن خلأهای قانونی است. پیشنهاد می‌شود که قضات دیوان در همه موارد بر قانون‌گرایی تأکید داشته باشند چراکه تضمین حقوق و حمایت از تولیدکنندگان تنها با اعمال قانون محقق می‌شود. توجه بر سیاست‌ها و اهداف اقتصادی تنها زمانی معنا پیدا می‌کند که در چهارچوب قوانین باشد و شایسته نیست که قضات با ملاحظات عملی و توجه به مصالح به صدور رأی بپردازند.

یادداشت‌ها

۱. اصل ۱۷۳ قانون اساسی: «به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام «دیوان عدالت اداری» زیر نظر رئیس قوه قضائیه تأسیس می‌شود. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می‌کند».
۲. ماده ۱۰۷ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری: «کلیه اشخاص و مراجع مذکور در ماده ۱۰ این قانون مکلفند آراء دیوان را پس از ابلاغ به فوریت اجراء نمایند».
۳. ماده ۲ او اعلامیه حق توسعه.
۴. ماده ۸۶ - کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسه‌های دولتی و شرکت‌های دولتی موضوع ماده ۴ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۷/۶/۱ و همچنین کلیه دستگاه‌های اجرایی، شرکت‌های دولتی و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت که شمول قوانین و مقررات عمومی بر آنها مستلزم ذکر نام یا تصریح نام آنها است، از جمله شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های تابعه و وابسته به آن، سایر شرکت‌های وابسته به وزارت نفت و شرکت‌های تابعه آن، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و شرکت‌های تابعه آن، سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران و شرکت‌های تابعه آن، سازمان در حال تصفیه صنایع ملی ایران و شرکت‌های تابعه آن، مرکز تهیه و توزیع کالا و همچنین سهام متعلق به دستگاه‌ها، سازمان‌ها و شرکت‌های فوق‌الذکر در شرکت‌های غیردولتی و شرکت‌هایی که تابع قانون خاص می‌باشند و بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در فعالیتهای اقتصادی مشمول مقررات این قانون خواهند بود.

۵. تبصره ۶- در مورد آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی که نیازمند اخذ مجوز از دستگاه‌های متعدد می‌باشند، دستگاه اصلی موضوع فعالیت، وظیفه مدیریت یکپارچه، هماهنگی و اداره امور اخذ و تکمیل و صدور مجوز را بر عهده خواهد داشت و از طریق ایجاد پنجره واحد به صورت حقیقی یا در فضای مجازی با مشارکت سایر دستگاه‌های مرتبط به گونه‌ای اقدام می‌نماید که ضمن رعایت اصل همزمانی صدور مجوزها، سقف زمانی مورد نظر برای صدور مجوز از زمان پیش‌بینی شده توسط هیئت «مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار» تجاوز ننماید.

در ایجاد فرایند پنجره واحد، دستگاه‌های فرعی صدور مجوز موظفند نسبت به ارائه خدمات از طریق استقرار نماینده تام‌الاختیار در محل پنجره‌های واحد و یا در فضای مجازی اقدام و همکاری لازم را به عمل آورند. دستورالعمل‌های مربوطه شامل رویه‌ها و ضوابط و نحوه برخورد با متخلفان (بر اساس قوانین و مقررات)، که به تأیید هیئت وزیران رسیده است و همچنین فهرست دستگاه‌های اصلی در صدور مجوز در فعالیت‌های مختلف متناسب با شرایط توسط هیئت «مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار» موضوع ماده ۳ قانون اصلاح مواد ۱، ۶ و ۷ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی تهیه و ابلاغ می‌شود. از تاریخ تصویب این قانون، ماده ۷۰ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران لغو می‌شود.

۶. بند ۲۱ ماده ۱ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۸ با اصلاحات و الحاقات بعدی.

۷. ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری: «دستگاه اجرایی: کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی، مؤسسات یا نهادهای عمومی غیردولتی، شرکت‌های دولتی و کلیه دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر و یا تصریح نام است از قبیل شرکت ملی نفت ایران، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، بانک مرکزی، بانک‌ها و بیمه‌های دولتی، دستگاه اجرایی نامیده می‌شوند».

۸. ماده ۵ قانون محاسبات عمومی کشور: «مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، از نظر این قانون واحدهای سازمانی مشخصی هستند که با اجازه قانون به منظور انجام وظایف و خدماتی که جنبه عمومی دارد تشکیل شده یا می‌شود. تبصره: فهرست این قبیل مؤسسات و نهادها با توجه به قوانین و مقررات مربوط از طرف دولت پیشنهاد و به تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد رسید».

۹. بند ۲۴ ماده ۱ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۸ با اصلاحات و الحاقات بعدی.

۱۰. تبصره ۲ ماده ۷ قانون اصلاح قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۱۳۹۹.

۱۱. ماده ۳- وظایف ستاد مرکزی عبارت است از: ۱- برنامه‌ریزی، ۲- نظارت و پیگیری اقدامات ناظر به اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در قوه قضائیه، ۳- ایجاد هماهنگی میان مسئولین و نمایندگی‌های قوه قضائیه در حوزه اقتصادی، حمایت‌های حقوقی، قضائی از فعالیت‌های اقتصادی مجاز و مشروع در سطح ملی، ۴- حمایت‌های لازم جهت رفع مسائل و مشکلات حقوقی، قضایی سرمایه‌گذاری و ایجاد هماهنگی و انسجام در امور مشاوره، کارشناسی و داوری مربوط به دعاوی و اختلافات پرونده‌های تجاری و اقتصادی.

۱۲. ماده ۱۹- وظایف ستاد استانی عبارت است از: الف) برنامه‌ریزی، پیگیری و هماهنگی در اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و مصوبات ستاد مرکزی، ب) تعامل و تبادل نظر با مقامات دولتی و غیردولتی در سطح استان در راستای اجرای هر چه بهتر سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، پ) ارتباط منظم و مستمر با فعالان بخش خصوصی به منظور اطلاع از مسائل و مشکلات حقوقی و قضائی سرمایه‌گذاری و مساعدت در رفع آن، ت) ایجاد هماهنگی در فعالیت هیئت‌های مشاوره، کارشناسی و داوری متشکل از اعضای اتاق‌های بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی و تعاون در جهت رفع اختلاف سرمایه‌گذاران، ث) حمایت حقوقی و قضائی از فعالیت‌های اقتصادی مجاز و مشروع در سطح استان.

۱۳. ابلاغیه رهبر به رؤسای قوای سه گانه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام ۱۳۹۲/۱۱/۲۹.

۱۴. ماده ۹- قوای سه‌گانه، ستاد کل نیروهای مسلح، صداوسیما و دستگاه‌های نظارتی از قبیل دیوان محاسبات، شورای نظارت صداوسیما، سازمان حسابرسی دولتی و کمیسیون اصل نود، دیوان عدالت اداری، سازمان بازرسی کل کشور، نهادها، بانک‌ها، سازمان‌ها، شرکت‌های دولتی و همچنین نهادهای عمومی موضوع تبصره ذیل ماده ۵ قانون محاسبات عمومی، شهرداری‌ها و کلیه سازمان‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است و مؤسسات عمومی غیردولتی با درخواست مجمع از طریق بالاترین مقام هر دستگاه، همکاری لازم را در اعمال نظارت موضوع این مقررات به عمل خواهند آورد. در هر حال تشخیص و اعلام مغایرت یا عدم مغایرت با سیاست‌های کلی بر عهده مجمع خواهد بود.

۱۵. مصوبه شماره ۸۰/۴۳۲ مورخ ۱۳۹۷/۲/۱۵ موضوع جلسه بیستم مورخ ۱۳۹۷/۱/۲۷ هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار.

۱۶. مصوبه شماره ۸۰/۱۶۴۴-۱۳۹۷/۵/۳۰ هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار.

کتابنامه

۱. احمدوند، یاسر (۱۳۹۰). *عدالت اداری در حقوق ایران*. تهران: انتشارات جنگل.
۲. ارسطا، محمدجواد (۱۳۹۱). *مبانی تحلیلی جمهوری اسلامی ایران*. قم: بوستان کتاب قم.
۳. امینی، علیرضا (۱۳۹۴). تحلیل بازار کار و سیاست‌های اشتغال‌زایی اقتصاد ایران با تأکید بر برنامه چهارم توسعه - اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی. *مجله اقتصادی*، (۶۵)، صص. ۲۳-۴۰.
۴. بکشلو، رضا و طحان نظیف، هادی (۱۳۹۹). امکان‌سنجی استناد به سیاست‌های کلی نظام در دیوان عدالت اداری. *فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان*، (۳۱)، صص. ۵۷۷-۵۹۷.
۵. تیموری، جلال و محمدصادقی، ابوالحسن (۱۳۹۹). درآمدی بر نقش مقررات‌زدایی در بهبود کیفیت اجرای حق توسعه. *فصلنامه تعاونی مطالعات بین‌المللی پلیس*، ۱۱(۴۳)، صص. ۳۸-۶۳.
۶. جلالی، محمد و سعیدی روشن، حمیده (۱۳۹۵). نقش دیوان عدالت اداری در صیانت از قانون اساسی. *مجله حقوقی دادگستری*، (۹۴)، صص. ۱۱۷-۱۴۰.
۷. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۹). سخنرانی در نوروز: <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=47540>
۸. شیرزاد، امید (۱۳۹۵). بررسی جایگاه سیاست‌های کلی نظام در دادرسی اداری. *فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان*، (۱۴)، صص. ۱۶۹-۱۸۳.
۹. فاطمی، ثریا (۱۳۹۱). جایگاه و نقش رویه قضائی دیوان عدالت اداری در حقوق عمومی. (پایان‌نامه ارشد رشته حقوق عمومی)، دانشگاه تهران.



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښی
پرتال جامع علوم انسانی